

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۰۶ اگست ۲۰۱۲

## تکلیف اشغالگران خارجی در برابر تجاوزات پاکستانی

دیروز عبدالرحیم وردگ، وزیر دفاع و بسم الله محمدی، وزیر داخله حکومت مزدور حامدکرزی، به اتهام بی کفایتی، خیانت و فساد در وظایف شان مورد سلب اعتماد وکلای «اولسی جرگه» قرار گرفتند. جرگه ای که خود نیز در اثر خیانت و فساد گسترده گروه های حاکم بر حیات سیاسی کشور و مداخلات آشکار بیگانگان، پا به عرصه وجود گذاشت. روی این ملحوظ ارتکاب خیانت، چپاولگری، فساد و بی کفایتی در اراکین بلند رتبه دولت کنونی چیز نو و عجیبی نبوده و در آینده نیز نخواهد بود؛ زیرا دولت مزدور و وارد شده کنونی از بدو تأسیس تا حال متشکل از نمایندگان گروه های جنایتکار جنگی و سیاسی، جاسوسان استخبارات اجنبی، گروه های مافیائی و غارتگران حرفه ئی موسوم به تکنوکرات ها بوده است. در صورتی که رئیس حکومت خود به سان تروریست ها و قاچاقبران جیمزباند، دور از انظار عامه، در کابین طیاره، از نمایندگان رژیم فرتوت و مداخله گر آخوندی ایران کیسه های مملو از صد ها هزار یورو و دالر دریافت می دارد؛ و آن را بدون هیچ نوع بازخواست قانونی در راه اهداف غیرمشروع به مصرف می رساند، از وزراء و اراکین پائین رتبه دولت او چه گله می توان داشت؟! طاعون فساد سر تا پای این دستگاه نامیمون و کثیف را عملاً فلج ساخته است.

مردم آزاده و سربلند افغانستان بزدلی این شیران کاغذی را نیز سالها قبل مشاهده نموده اند. آیا ویرانه های شهرکابل نمایانگر جبن و بزدلی این جنایت پیشگان و تباہکاران نیست؟! مگر می توان کسی را بهادر و دلاور نامید، که به منظور دست یافتن به «تاج و تخت» کابل، خون هزاران هموطن مظلوم و رنج کشیده خویش را بر زمین ریخته؛ و میهن آبائی خویش را چنگیز آسا به ویرانه مبدل سازد؟! علاوه بر این، مگر همه ما شاهد نبودیم، که همین شیر لافوک افغانستان، مارشالک شورای نظار و فیل بی خرطوم با شنیدن چند گلوله طالبان در یک چشم به هم زدن میدان برگزاری جشن خود و ماتم مردم را رها کرده، فرار را بر قرار ترجیح دادند؟! طی چیزی کم یازده سال گذشته صحنه هائی از این سنخ را نیز بار ها ملاحظه نمودیم، که مخالفان مسلح نه تنها ساعت ها قلب شهر کابل را در کنترل خود داشته، بلکه در داخل ساختمان های وزارت دفاع و داخله نیز به عملیات تهاجمی پرداختند؛ ولی متأسفانه وکلای «اولسی جرگه» صرف اکنون به بی کفایتی آنان پی می برند. تنظیم گرائی

و سمت گرانی و انواع گوناگون فساد نیز تنها منحصر و محدود به این دو وزارت نبوده، تاروپود کلیه ارکان دولت را فرا گرفته است. ازینرو، این همه مزدوران خاین، فاسد و بی کفایت باید نه دیروز و پریروز، بلکه سال ها قبل مورد محاکمه جدی قرار می گرفتند؛ اما در نظامی که کوزه و کوزه گر و گِل کوزه هم یکی باشد، این آرمان ملی و مردمی هیچ گاه بر آورده نخواهد شد.

حملات بی شرمانه نظامیگران پاکستانی بر مناطق سرحدی کونړ و ننگرهار مسأله دیروز و پریروز نیست. سال گذشته نیز ناظرچنین حملات آشکار و وقیحانه اردوی پاکستانی بر این مناطق بودیم. گماشتگان بزدل و بی کفایت و خاین حاکم بر کشور ما تا حال برای دفع و طرد آن، به هیچ اقدام بازدارنده یا تدافعی، توسل نجسته اند؛ و نه هم در آینده جرأت و جسارت چنین اقدام وطندوستانه را خواهند داشت؛ چه از مزدوران بیگانه پرست هیچ گاه نمی توان توقع برد تا در راه دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و نوامیس ملی خویش جانفشانی نمایند.

مسأله بیگانه پرستی و بی کفایتی و تاراجگری و جنایت پیشگی حاکمان دیروز و امروز کشور ما بر هیچ کس پوشیده نیست. آن چه عیان است چه حاجت به بیان است. از همین جهت بر می گردیم به نکته عمده و اساسی این مقاله مختصر یعنی مسأله بی تفاوتی اشغالگران خارجی در برابر همچو تجاوزات آشکار و بی شرمانه نظامیگران پاکستانی.

هموطنان آگاه ما به خاطر دارند، که حلقات مزدور حاکم بر افغانستان و سایر میراث خواران استعمار پیش از تحمیل اسارتنامه موسوم به «پیمان ستراتیژیک» علیه کشور ما، شب و روز گلو پاره می کردند، که حضور دایمی نیروهای امریکائی در افغانستان، ضامن مطمئن دفع و طرد تجاوزات همسایگان طماع و مغرض ما خواهد بود؛ اما حال که مردم مظلوم و بیچاره مناطق سرحدی ما پیوسته در معرض بمباران نیروهای نظامی پاکستان قرار داشته؛ همه روزه کشته و زخمی می دهند؛ خانه و مکتب و مسجد شان تخریب گردیده، به مناطق دیگری متواری می شوند، کجاست «فرشته های نجات» امریکائی و ائتلافی تا مزدوران پاکستانی خویش را بر جای شان بنشانند؟! چه شد «پیمان ستراتیژیک» و اهمیت آن در دفاع از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ما؟! آیا «نیرو های آزادیبخش» امریکائی و ائتلافی زمانی وارد عمل خواهند گردید، که نظامیگران پاکستانی یا آخوند های ایرانی بر دروازه های شهرکابل دست یابند؟!

از آنانی که وطن پُر افتخار و پُر غرور ما را تحت عنوان «پیمان ستراتیژیک» در اسارت عساکر امریکائی و ائتلافی قرار داده اند، می پرسم: آیا اشغالگران امریکائی و ائتلافی تجاوز بر خاک افغانستان را تجاوز بر عساکر و دولت های خویش نیز می پندارند یا خیر؟! اگر چنین است، پس چرا وارد عمل نشده، متجاوزین پاکستانی را جواب دندان شکن نداده و نمی دهند؟! اگر پیمانی ستراتیژیک دفاعی میان دو مملکت دارای حقوق مساوی درکار می بود، آن گاه نیرو های امریکائی و ائتلافی باید بنا به درخواست جانب افغانی فوراً به دفع و طرد تجاوزات پاکستانی می پرداخت؛ در حالی که سلسله چنین تجاوزات بی رحمانه از سال گذشته تا حال ادامه دارد. در همچو شرایط و اوضاع کجاست استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ما؟!

ساکت نشستن نیروهای امریکائی و ائتلافی در برابر تجاوزات نظامی پاکستان علیه مناطق سرحدی ما، مبین این واقعیت روشن است، که عساکر خارجی نه به منظور تأمین صلح و امنیت در افغانستان، بلکه جهت تحقق اهداف دراز مدت استعماری خویش در سرزمین جنگ زده ما لانه کرده اند. از این که هدف از جابه جا سازی نیروهای امریکائی و ائتلافی در افغانستان، تأمین صلح و ثبات در کشور و منطقه ما نبوده، بنابراین بی تفاوتی آن هادر برابر تجاوزات پاکستانی و غیره نیز با آسانی قابل درک می باشد.

در شرایط کنونی تجاوزات ظالمانه نظامیگران لجوج پاکستانی، مداخلات آخوندهای توسعه طلب ایرانی و دست اندازی های مرئی و نامرئی دولت های روسیه و هند، همه و همه نتایج اجتناب ناپذیر حضور تفکنداران امریکائی و ائتلافی در افغانستان به حساب می رود؛ و تا طیارات باسرنشین یا بی سرنشین شان بر مملکت و مامنطقه ما سایه افکنده، امیدواری به تأمین صلح و ثبات نیز امر مشکل و حتا ناممکن خواهد بود.

برای نجات زادگاه مشترک ما از تجاوزات بیگانگان، اختلافات سیاسی و فساد گسترده در کشور جز یک راه باقی نمی ماند، که آن عبارت از مبارزه متحدانه به منظور تشکیل یک **حکومت با اعتبار ملی و مردمی** است و بس . فقط از طریق تشکیل چنین حکومت با **اعتبار ملی و مردمی** است، که می توان جنگ و خونریزی جاری در کشور را خاتمه بخشید؛ و دست همه بیگانگان را در امور داخلی کشور خود کوتاه ساخت . مبارزه پیگیرانه و خستگی ناپذیر در راه تحقق این ارمان مقدس ملی، وظیفه هر افغان صدیق و وطن دوست است .